

تأثیر اطمینان قلب و شرح صدر در هدایت



حضرت موسی(علیه السلام) از خداوند شرح صدر خواست؛ ﴿رَبِّ اشرح لي صدري﴾ (1) و با خطاب ﴿قد اوتيت سؤلک يا موسی﴾، به همه خواسته‌های آن حضرت پاسخ مثبت داده شد.

هنگامی که موسای کلیم(علیه السلام) به همراه قومش از شهر گریختند و در محاصره فرعونیان از پشت سر و دریا از پیش‌رو قرار گرفتند، با وحشت و ترس همگی گفتند: اکنون به ما می‌رسند و گرفتار دشمنان می‌شویم، جای گریزی نیست. چون راه بر ما بسته است؛ ﴿قال أصحاب موسی انا لمدركون﴾. (2) در این هنگام (میان دو خطر) حضرت موسی(علیه السلام) که از شرح صدر و هدایت ویژه الهی برخوردار بود، بدون هیچ اضطراب و ترس و با قاطعیت تمام، گفتار و پندار آنان را رد و ردع کرد؛ ﴿کلا اِنَّ معي ربي سيهدين﴾ (3)؛ خدای من حتماً مرا هدایت و یاری می‌کند، به فرمان او به هر سو می‌روم. در این حال، خداوند به او فرمان داد: ﴿ان اضرب بعصاك البحر﴾ (4) و او با عصا به دریا زد و چندین راه باز شد.

بنابراین، برخی از هدایت‌ها با طمأنینه دل که در حدّ خود نوعی از شرح صدر است، به دست می‌آید و به دریا چیره می‌شود. این هدایت از راه علم حصولی و یادگیری احکام و معارف نیست، بلکه دل به دریا زدن و نترسیدن محصول طمأنینه درونی است که هدایت ویژه تکوینی است؛ چنین انسانی هیچ دلهره و هراسی ندارد. چون قلبش به مبدأ محکمی پیوند خورده است؛ ﴿الا بذكر الله تطمئن القلوب﴾ (5) و آن حقیقت غیرمتناهی را به اندازه سعه وجودی خویش، درک و شهود کرده است؛ ﴿لیس کمثله شيء﴾. (6) بدین جهت هیچ چیزی نمی‌تواند قلب او را در سیطره خودش درآورد و او هیچ خطری را حس نمی‌کند. آری برای رسیدن به مقصد والا، این شرح صدر که نور است، بایسته است، ولی بس نیست؛ یعنی اگر کسی نورانی شد و شرح صدر پیدا کرد، باز هم به مراقبت و محاسبت بیشتر نیاز دارد. زیرا انسان تا زنده است، در معرض خطر قرار داد.

در مقابل، انسان دل بسته طبیعت که گرفتار ضیق صدر و تنگنای وجود محدود است، در همه مراحل زیر فشار است و هرگز لذت آزادی و رهایی از بند را نمی‌چشد، بلکه هم در دنیا فشار می‌بیند؛ ﴿من أعرض عن ذکري فإنّ له معیشة ضنکاً﴾ (7)، هم پس از مرگ گرفتار فشار برزخی است، هم در آتش جهنم سقوط می‌کند؛ ﴿و إذا ألقوا منها مکاناً صیقاً مقرّبین دعوا هنالك ثبورا﴾. (8) زیرا ضلالت قلب و ضیق صدر، ظهوری جز فشار دنیا و آخرت ندارد؛ ﴿کذلک یجعل الله الرجس علی الذین لا یؤمنون﴾ (9) و ﴿و یجعل الرجس علی الذین لا یعقلون﴾. (10)

افکار کفرآمیز و اخلاق الحادی و رفتار شرک‌آلود که هر يك عامل فشار و عذاب درونی است، او را رها نمی‌کند، بلکه از هر سمت به او هجوم می‌آورند؛ ﴿و لکن من شرح بالكفر صدراً فعلیهم غضب من الله﴾ (11) و همانها روز ظهور حق به صورت ﴿و یأتیهم الموت من کلّ مکان و ما هو بمیت﴾ (12) در می‌آیند. خاصیت عامل فشار آن است که نه رها می‌کند و نه می‌میراند؛ ﴿ثمّ لا یموت فیها و لا یحیی﴾ (13)؛ چنان‌که اثر سعه حیات و اطلاق ظهور، رهایی از هر بند و آزادی از هر رنج است؛ ﴿الذی أحثنا دار المقامة من فضله لا یمسّنا فیها نصب و لا یمسّنا فیها لغوب﴾ (14) و ﴿لا یسمعون حسیسها و هم فی ما اشتتهت أنفسهم خالدون﴾. (15) آری مؤمن پارسا، بر مرکب روشنی سوار است؛ ﴿أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو علی نور من ربّه﴾ (16) و کافر تبهکار دل مرده، مقهور و مرکوب پلیدی و تاریکی است؛ ﴿کذلک یجعل الله الرجس علی الذین لا یؤمنون﴾.

1 - سوره طه، آیه 25.

2 - سوره شعراء، آیه 61.

3 - سوره شعراء، آیه 62، (حرف ردع، جمله اسمیه و حروف تأکید).

4 - سوره شعراء، آیه 63.

5 - سوره رعد، آیه 28.

6 - سوره شوری، آیه 11.

7 - سوره طه، آیه 124.

8 - سوره فرقان، آیه 13.

9 - سوره انعام، آیه 125.

10 - سوره یونس، آیه 100.

11 - سوره نحل، آیه 106.

12 - سوره ابراهیم، آیه 17.

13 - سوره اعلی، آیه 13.

14 - سوره فاطر، آیه 35.

15 - سوره انبیاء، آیه 102.

16 - سوره زمر، آیه 22.

هدایت در قرآن، ص 254-256.